



درس فراج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۳۰ آذر ۸۹

مصادف با: ۱۵ محرم الحرام ۱۴۳۱

جلسه: ۴۰

موضوع کلی: مسئله اول

موضوع جزئی: تنقیح موضوع مسئله

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مطلب اول در تحریر مقدمه بود که متن آن و مطالب لازم مربوط به آن بیان شد که البته بعضی از جزئیات ممکن است باقی مانده باشد که اهمیت چندانی ندارد.

مسئله ۱: «يجوز العمل بالإحتیاط ولو كان مستلزماً للتکرار علی الأقوی»

امام (ره) در این مسئله میفرماید عمل به احتیاط علی الأقوی جایز است ولو اینکه مستلزم تکرار باشد. مرحوم سید این مطلب را در مسئله چهارم عروه بیان کرده‌اند و البته ایشان چند مسئله در مورد احتیاط متعرض شده‌اند که امام (ره) بیان نکرده‌اند. مثلاً مرحوم سید در مسئله دوم فرموده‌اند که: «الأقوی جواز العمل بالإحتیاط متجهداً کان أو لا» در مسئله چهارم فرموده‌اند: «الأقوی جواز الإحتیاط ولو كان مستلزماً للتکرار» آنچه که با مسئله اولی تحریر منطبق است همان مسئله چهارم عروه است که البته سید چند مطلب دیگر در مسئله دوم و سوم بیان کرده‌اند که ما به جهت اینکه امام هم متعرض نشده‌اند، آن را رها کرده اصل مسئله و موضوع را طرح خواهیم کرد.

بطور کلی احتیاط را از جهات مختلف میتوان لحاظ کرد یعنی در مسئله اول امام فرموده است که عمل به احتیاط جایز است، این احتیاطی که محل بحث است چه احتیاطی است؟ چونکه جهات مختلفی در احتیاط وجود دارد بالغ بر هفت جهت در احتیاط وجود دارد که آیا باید دید که همه این جهات داخل در این موضوع بحث است؟ وقتی که گفته میشود «يجوز العمل بالإحتیاط» این یک معنای عامی دارد و همه آن موارد را در بر میگیرد یا اینکه نه برخی از آن موارد در دایره بحث ما خارج هستند؟ به یک معنی باید محل بحث را تنقیح بکنیم و باید احتیاط مورد بحث منقح شود که چه احتیاطی است. در عین حال بعضی از این موارد میتواند مستقلاً مورد رسیدگی قرار بگیرد و نکاتی در این مورد ذکر میگردد که به تقسیمات احتیاط به جهات مختلف میتوان آن را نام گذاری کرد.

جهات سبعة:

جهت اول: تارة احتیاط به عنوان یک عملی که در مقام امتثال مورد توجه قرار میگیرد و اخیری بحث میکنیم که احتیاط به عنوانه جایز است یا نه؟ احتیاط یک عنوانی است مثل سایر عناوین خمس است، و اخیری در جواز احتیاط به معنای اکتفا به آن در مقام امتثال نظر میکنیم یعنی آیا اگر کسی در مقام امتثال احتیاط کرد موافقت با امر و نهی مولی کرده یا نه؟ آیا اگر کسی در مقام عمل احتیاط کرد آیا اثر مقصود مترتب میشود یا نه؟ مثلاً در ظهر جمعه میدانیم که یا نماز جمعه بر ما واجب است یا

نماز ظهر، حالا اگر کسی آمد و احتیاط کرد و هر دو را خواند میخواهیم ببینیم که هر دو نماز اثر مقصود شارع از این تکلیف را مترتب میکند یا خیر؟ بنابراین احتیاط تارة به عنوانه با قطع نظر از مقام امتثال و ترتب اثر مقصود مورد بحث قرار میگیرد و تارة به عنوان یک عمل در مقام امتثال مورد توجه قرار میگیرد.

جهت دوم: احتیاط تارة مخل به نظام است و اخری مخل به نظام نیست یعنی گاهی احتیاط موجب میشود که نظام زندگی بشر مختل بشود و روال عادی زندگی از بین برود، ممکن است که احتیاط در یک مواردی به این نقطه برسد که نظام زندگی بشر را به هم بزند مانند کسی که در تمام نمازهای یومیة احتیاطهایی میکند روال عادی زندگی بواسطه این احتیاط از بین میرود. و در مواردی احتیاط این گونه نیست و مخل نظام زندگی نیست و باید این را معلوم کنیم که این احتیاطی که در اینجا مورد بحث قرار میدهم هر دو نوع را شامل میشود یا نه؟

جهت سوم: احتیاط گاهی موجب عسر و حرج است و گاهی موجب عسر و حرج نیست، عسر و حرج معلوم است یعنی مشقت و سختی که احتیاط ممکن است در پی داشته باشد که این عنوان با عنوان اختلال در نظام تفاوت دارد به اینکه یک چیزی ممکن است موجب اختلال نظام نشود ولی عسر و حرج داشته باشد فرض کنید که فردی احتیاط میکند ولی روال عادی زندگی وی بهم نمیخورد احتیاط او موجب عسر و حرج برایش است یا به حسب نوع مردم موجب عسر و حرج هست اما زندگی را مختل نمیکند. میخواهیم ببینیم که آیا در مسئله اول محل بحث است که آیا يجوز عمل بالاحتیاط هر دو نوع احتیاط را شامل میشود یعنی چه احتیاطی که موجب عسر و حرج هست و چه احتیاطی که موجب عسر و حرج نیست یا نه؟

جهت چهارم: احتیاط در عبادات و احتیاط در معاملات است تارة میخواهیم در عبادات احتیاط بکنیم و تارة در معاملات احتیاط بکنیم و معاملات هم یک معاملات به معنی الاعم داریم و یک معاملات به معنی الاخص داریم. احتیاط در عبادات معلوم است اما در معاملات تارة بمعنی الاعم است یعنی هر امر توصلی به غیر از عقود و ایقاعات مانند تطهیر ثوب متنجس که این از عبادات نیست و نه عقد است و نه ایقاعی است. پس ما میگوییم که منظور از معاملات بمعنی الاعم یعنی کل امر توصلی لا یتحتاج الی قصد القربة و امری که نه در او نه عقدی وجود دارد و نه ایقاعی، تارة احتیاط در این امور است مثلاً ثوب متنجس را پنج بار آب بکشد. گاهی در معاملات بالمعنی الاخص انجام میشود یعنی دارد عقدی یا ایقاعی انجام میدهد، ما در مقام این هستیم که میخواهیم ببینیم که احتیاط به عنوان موضوع مسئله اول هم در عبادات است و هم در معاملات و معاملات هم به معنی الاعم و هم به معنی الاخص یا اینکه نه در این مسئله باید تفصیل داده شود؟ پس ببینید این جهات همه در بحث ما اثر دارد و ما باید به این جهات توجه کنیم.

جهت پنجم: احتیاط گاهی مستلزم تکرار نیست و گاهی مستلزم تکرار در عمل است، مثلاً در اقل و اکثر احتیاط مستلزم تکرار نیست اگر کسی شک در چیزی داشته باشد احتیاط در این موارد عبارت است از اتیان به جزء مشکوک یا شرط مشکوک مثلاً شک دارد آیا سوره جزء نماز هست یا نیست؟ احتیاط در اینجا به این است که این جزء مشکوک را اتیان بکند و یا اگر شک در شرطیت شرطی دارد به آن شرط مشکوک اتیان بکند که در اینجا مستلزم تکرار عمل نیست اما در بعضی از اوقات مستلزم

تکرار عمل است مثل کسی که شک دارد که صدق مسافر بر او میکند یا نه؟ که اگر مسافر نباشد وظیفه وی تمام است و اگر مسافر باشد وظیفه وی قصر است و در هنگامی که شک میکند و بخواهد احتیاط بکند در اینجا احتیاط موجب تکرار عمل است.

جهت ششم: احتیاط تارة در فرض تمکن از امتثال تفصیلی و علم تفصیلی به احکام است و گاهی در فرض عدم تمکن از امتثال تفصیلی مطرح میشود بالاخره میخواهیم ببینیم که این احتیاط در فرض تمکن از امتثال تفصیلی و احتیاط در فرض عدم تمکن، هر دو در دایره موضوع مسئله اول قرار میگیرد؟ یا اینکه میگویند عمل به احتیاط جایز است فقط در آنجایی است که امکان امتثال تفصیلی نیست، اما جایی که امکان امتثال تفصیلی باشد عمل به احتیاط جایز نیست.

جهت هفتم: احتیاط تارة از ناحیه مجتهد صورت میگیرد و اخری از ناحیه مقلد صورت میگیرد. میخواهیم ببینیم آیا این احتیاطی که گفته میشود عمل به آن جایز است آیا هم احتیاط از ناحیه مجتهد را شامل میشود و هم مقلد یا اینکه نه فقط مربوط به کسی است که مجتهد نباشد. درست است در این مسئله حضرت امام (رضوان الله علیه) این مطلب را ذکر نکردهاند اما ما به نوعی این جهت را باید بیان و اشاره کنیم چنانچه مرحوم سید این را بیان کردهاند.

اگر بخواهیم موارد دیگری را در رابطه با احتیاط ذکر بکنیم موارد و نقاط دیگری وجود دارد مانند اینکه احتیاط گاهی در فعل است و گاهی در ترک و این هم یک جهت است یا مثلاً جهت دیگر اینکه احتیاط گاهی در دو عمل مستقل است و گاهی در عمل واحد است مانند نماز ظهر و نماز جمعه که دو عمل مستقل است و گاهی در عمل واحد است مانند دوران امر بین وجوب جهر و اخفات، اینکه ما نماز جمعه را اگر بخواهیم بخوانیم باید بلند بخوانیم یا آهسته باید خوانده شود؟ این هم یک جهتی است که در مورد احتیاط میشود مطرح کرد. و موارد دیگری هم در اینجا قابل تصور است.

بهر حال برای اینکه یک بحث دقیق و مستوفایی صورت بگیرد در این مسئله اول باید به این جهات توجه کرد. بعضی را برای روشن شدن محل بحث باید متعرض شویم و بگوییم که این قسم از دایره نزاع ما خارج است و برخی را باید به عنوان یک مسئله مستقل بررسی کنیم. اگر این جهات مختلف را در مورد احتیاط اشاره کردیم برای این است که به روشن شدن بیشتر موضوع بحث کمک بکند و ما تا حدودی با موضوع بحث آشنا شویم و هم با مسائلی که در اینجا میتواند مطرح شود آشنا شویم.

بررسی جهات هفتگانه:

بررسی جهت اول: آیا این احتیاط که در اینجا موضوع بحث قرار گرفته است عنوان احتیاط است یا نه به عنوان یک عملی است که در مقام امتثال مورد توجه قرار میگیرد. آنچه که میتوان در اینجا بیان کرد این است که احتیاط به عنوان از محل نزاع ما خارج است یعنی در اینجا بحث نداریم که نفس احتیاط و عنوان احتیاط مشروع هست یا نیست؟ بحث در مشروعیت و عدم مشروعیت احتیاط نیست، بحث در این است که اگر کسی در مقام امتثال بر طبق احتیاط عمل کرد آیا این عمل بر اساس احتیاط جایز است یا نه؟

یعنی اینکه آیا اتیان به همه احتمالات و احراز واقع چه حکمی دارد؟ آیا عملاً میتوانیم همه احتمالاتی را که احتمال میدهیم دخیل باشد اینها را انجام بدهیم و آیا این جایز است یا نه؟ کاری به عنوان احتیاط نداریم و بسیار روشن است که احتیاط بعنوان به عنوان اینکه یک عنوانی است مانند سایر عناوین میتواند معروض احکام خمسّه باشد مثلاً عنوان احتیاط که واجب شده مثل موارد احتیاط در شبهه و جویبه محصوره یا تحریمیه محصوره که در این موارد احتیاط واجب است. یا احتیاط محرم مثل احتیاطی که سر از وسواس شدید در بیاورد، در این صورت حرام و به شیطان نسبت داده شده و چنین احتیاطی حرام است. احتیاط مستحب که این عنوان احتیاط متعلق استحباب واقع شود این هم کم نیست و در موارد زیادی عنوان احتیاط هم عقلاً و هم نقلاً حسن دارد و مستحب است که البته یک شرط دارد و شرط آن این است که احتمال مبعوضیت داده نشود. این سه تا از احکام خمسّه که به احتیاط تعلق گرفته است.

آیا احتیاط عنوان اباحه هم پیدا میکند و آیا میتواند متصف به وصف کراهت بشود یا نه؟ واجب، محرم و استحباب را ذکر کردیم. عنوان احتیاط میتواند این عناوین را داشته باشد ولی آیا واقع شده است؟ یک بحث در امکان اتصاف و یک بحث در وقوع اتصاف به احکام خمسّه است. از نظر امکان که هیچ منعی وجود ندارد و همه این احکام خمسّه تکلیفیه میتوانند بر عنوان احتیاط عارض میشوند.

اما از نظر وقوع حداقل در مورد اباحه و کراهت آن محل بحث است مثلاً اگر کسی حکمی بکند در یک جایی و بخواهد این حکم را در جای دیگر هم داشته باشد منتهی به جهت عدم وجود ملاک حکمی در آن نبوده مثلاً فرضاً گفتنند مباح است این احتیاط و در یک مواردی هم احتیاط مکروه است و آن در مواردی که ممکن است در جایی دو ملاک با هم تعارض بکنند در این فرض احتیاط مکروه است.

پس ببینید در جهت اولی بحث این را بیان میکنیم که عنوان احتیاط از محل بحث خارج است چرا که روشن است که عنوان احتیاط میتواند به احکام خمسّه متصف شود. در اینجا سخن از احتیاط به عنوان یک عمل یعنی عملی که مبتنی بر احتیاط است و در مقام امتثال میخواهیم ببینیم که احتیاط جایز است یا نه؟ همه بحث در جهت اولی در این است که آیا این احتیاط به عنوان یک عمل و به عنوان اتیان به همه احتمالات آیا اثر مقصود بر او مترتب میشود یا نمیشود؟ بنابراین این جهت روشن شد که بحث ما در اینجا این است که امتثال امر و یا نهی به نحو احتیاط آیا اینها جایز هستند یا نیستند؟

بررسی جهت دوم: احتیاط مخل به نظام و احتیاط غیر مخل به نظام است، آیا اگر احتیاط مخل به نظام بود مشمول حکم

مسئله اولی هست یا نیست؟ به عبارت دیگر این احتیاطی که در مسئله اولی به عنوان موضوع بحث ذکر شده آیا شامل احتیاطی که موجب اخلال به نظام بشود هست یا نیست؟ آیا اگر احتیاط به گونهای اختلال در نظام را ایجاد بکند یجوز العمل بالاحتیاط یا نه؟ و یا اینکه اعم از مخل و غیر مخل به نظام را شامل میشود. که در جلسه بعدی بررسی خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»